

اگر جنگل نباشد



۱. جنگل پهنادر و زیباست. صدای آرام نسیم در همه جای جنگل شنیده می شود. گاه نیز غرش و روزه‌ی جانوران. سکوت جنگل را می شکند.

۲. اگر روزی با هواپیما از بالای جنگلی بگذری. فرشی سبز، زیبا و گسترده می بینی که گاه صدها کیلومتر از زمین را پوشانده است. در این جنگل ها چه می گذرد؟ نمی دانیم. شاید پلنگی بر شاخه‌ی درختی، در کسین نشسته باشد. شاید میمون های بازیگوش، بر شاخه ها مشغول بازی باشند. شاید فیل ها و کرگدن ها مشغول آب تنی در رودخانه ای باشند که از جنگل می گذرد. شاید هم در حاشیه ی جنگل، خانواده های سرگرم تفریح و استراحت باشند.

۳. اگر جنگل نبود؛ چه می شد؟ شاید بگویند معلوم است؛ دیگر میز و صندلی، تخت خواب و کمد، در و پنجره، کاغذ، خانه های جنگلی، قایق و کشتی و هزاران وسیله ی چوبی دیگر نبود؛ اما این ها بخشی از فایده های جنگل است. اگر جنگل نباشد، اکسیژن مورد نیاز انسان فراهم نمی شود و مواد سختی هوا از بین نمی رود.

۴. اگر جنگل نباشد؛ باران خاک را می شوید و از بین می برد. بادهای تندی که می وزند ممکن است همه چیز را



دوران کنند. اگر جگل نباشد، یکی از بهترین محل های استراحت و گردش از انسان گرفته می شود.

بعد ۵ باید جگل ها را حفظ کنیم و مراقب باشیم که درختان از بین نروند. اگر از جگل مواظبت نکنیم، شاید در آینده دیگر نتوانیم داستان هایی بخوانیم که چنین آغاز می شوند: یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. روزی روزگاری در یک جگل زیبا و دور... .

سپاوش شاهان